



خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء وأشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى...
 همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

ماجرای نام‌گذاری امام حسین (ع)

سالروز ولادت با سعادت سالار شهیدان، مولی‌الکونین، سیدالشهداء، ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) را به محضر همه شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. در صبحگاه چنین روزی ولادت با سعادت این نور مقدس آسمانی تجلی پیدا کرد. جریانی در ابتدای امر به وجود آمد. مولی علی (ع) وارد منزل شدند. قنداقه نورانی سیدالشهداء (ع) را به دست امیرالمؤمنین (ع) دادند. اول از وجود مقدس آن حضرت سؤال شد برای این فرزند چه اسمی را انتخاب کردید؟ وجود مقدس مولای (ع) فرمودند: «من در نام‌گذاری فرزندم بر رسول الله (ص) سبقت نمی‌گیرم. باید پیغمبر (ص) نام این فرزند را تعیین کنند.» خبر ولادت با سعادت میوه دلش سیدالشهداء (ع) به وجود مقدس رسول اکرم (ص) رسید. به خانه فاطمه (ع) قدم گذاشت. قنداقه ابی‌عبدالله (ع) را به دستان پیغمبر دادند و از ایشان سؤال کردند برای این فرزند چه اسمی را انتخاب می‌کنید؟ فرمودند: «من در نامگذاری میوه دلم بر خدا سبقت نمی‌گیرم. خدا باید نام

او را تعیین کند.» جبرئیل از طرف پروردگار نازل شد. به پیغمبر اکرم (ص) عرض کرد: «یا رسول الله! نامی که خدا برای فرزند شما انتخاب کرده است، نام فرزند دوم هارون است و چون علی (ع) نسبت به شما به منزله هارون نسبت به موسی (ع) است، نام دوم او در عبری شبیر است و در عربی حسین. نام حسین را برای این فرزند، خدا انتخاب کرده است.»

این عملیاتی که امروز در مراسم نام‌گذاری سیدالشهداء (ع) انجام گرفت یک نمایش کامل، از یک آموزه قطعی آسمانی بود به نام ولایت‌مداری؛ یعنی در حقیقت آموزه ولایت‌مداری در این جریان به صورت عینی به مردم نمایش داده شد. ولایت‌مداری لازمه‌اش این است بر امام (ع) سبقت نگیرند، بر رسول الله (ص) سبقت نگیرند، بر خدا سبقت نگیرند یعنی اگر بنا شد جریان ولایت‌مداری یک بنده خدا، در کنار توحید و عبودیت قرار نداشته باشد، این عبودیت و بندگی به حق وصل نمی‌شود و به حق اتصال پیدا نمی‌کند. صدیقه اطهر (ع) و مولی امیرالمؤمنین (ع) و وجود مقدس پیغمبر اکرم (ص) نشان دادند راه اتصال به خدا و وصل به حق، در مقام عبودیت و بندگی پروردگار، مسئله ولایت‌مداری است. اگر ولایت‌مداری وجود نداشت، مسلم این عبادت، به خدا اتصال پیدا نمی‌کند. تنها یک راه برای اتصال به حق وجود دارد و آن هم مسئله ولایت‌مداری است و این در نام‌گذاری وجود مقدس سیدالشهداء (ع) امروز صبح به بشر و امت اسلام نمایش داده شد.

ما باید توجه کنیم که مسئله ولایت‌مداری در سیمای اهل بیت (ع) همه جا مشخص بود، این قنداقه را، که در دست پیغمبر اکرم (ص) قرار گرفته بود، جبرئیل از پیغمبر (ص) گرفت،



را از دست داده بود. قنداقهٔ ابی‌عبدالله علیه السلام را در آسمان‌ها سیر می‌دادند. این قنداقه به نزدیک این فرشته رسید. این فرشته خودش را به قنداقهٔ رساند و آنرا لمس کرد. آن نُکث جسمانی‌اش برطرف شد و به صورت اولیه، با همان کمال وجودی و جسمانی در آن رتبهٔ بالای عبودیت و بندگی خدا قرار گرفت. چرا؟ به‌خاطر اینکه عبادت عامل وجود و بقاء فرشته است. جوهرهٔ عبادت، عشق به الله است. چرا عبادت می‌کنیم؟! نماز، روزه، این دعاها، این مناجات‌ها خوب نتیجه‌اش چیست؟! جوهره‌اش عشق به خداست. پس بنابراین این جوهرهٔ عبادت، در وجود مقدس سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد؛ چون در مقام عشق و دلدادگی به حق، سیدالشهداء علیه السلام نماد ارزشمندی است که در عرصهٔ هستی هرکجا می‌خواهند برای انسان تابلوی عشق نشان بدهند، حسین علیه السلام را نشان می‌دهند. برای ابراهیم علیه السلام بخواهند یک تابلوی عشق و خلّت نشان بدهند سیدالشهداء علیه السلام را نشان می‌دهند. این حسین علیه السلام در مقام عشق به حق عنصری است که همهٔ مراحل و مراتب کمال دلدادگی به خدا را طی کرده است. این وجود مقدّسی که سروپا ذوب در خدا، فانی در حق و در عشق حق است. وقتی که فرشتهٔ ناقص نُکث پیدا کردهٔ جسمانی، خودش را به

قنداقه غایب شد. صدیقهٔ اطهر علیها السلام نگران شد: فرزند من چه شد و به کجا رفت. جبرئیل عرض کرد: «یا رسول الله، این قنداقه باید به آسمان‌ها برود، اهل آسمان از این ولادت خشنودند، آنها جشن گرفته‌اند. آنها این لحظه را عید می‌دانند. به‌خاطر ظهور حسین علیه السلام که درحقیقت، عامل برقراری تمام جریان حق و عدالت در روی کرهٔ زمین خواهد شد و از نسل ایشان، مجری حق و عدالت جهانی در دنیا ظهور پیدا می‌کند و لذا آسمانیان تشنهٔ دیدار حسین‌اند.» قنداقه را به طرف آسمان سیر دادند.

این داستان را شما شنیدید. فطرس ملک در حقیقت یک فرشتهٔ به اصطلاح پریشان و متواری و از طرفی هم به نُکث جسمانی مبتلا شده بود با لمس قنداقهٔ شریف ابی‌عبدالله علیه السلام به آن صحت و به آن کمال اولیه نائل شد. چه شد که فرشته و ملک با لمس قنداقهٔ سید الشهداء و اتصال به ولایت این مقام را پیدا کرد و آن نوع خلّا از دست رفته را، دوباره به دست آورد؟! فرشته موجودی است که اصلاً ساختار وجودی‌اش، قائم مقام عبادت است. یک دستگاه اتوماتیک عبادت است. همان‌طوری که ما به نفس زنده‌ایم و اگر نفس ما قطع شد، دیگر زندگی برای ما امکان ندارد. فرشته به عبادت اتصال و دوام عمر دارد. اگر عبادت قطع شد، از بین می‌رود؛ تمام وجود و حیاتش به بندگی در درگاه خدا متّصل است و آن استمرار بندگی، باعث دوام وجود فرشته و ملک است. اگر در عبادت او خطایی، اشتباهی، نقصی به‌وجود آمد، این نقص در عبادت موجب نُکث جسمانی برای این فرشته خواهد شد. فطرس ملک به این مشکل دچار شده بود به خاطر نقص در عبادت، دچار نُکث جسمانی شده بود. در حال از بین رفتن بود. موقعیت ارزشی خودش

کشتی در دریا وجود دارد که مرتب در دریا در حال گردش و سیر است. به آن کشتی نجات می‌گویند. کشتی نجات آن کشتی است که اگر احیاناً یک کشتی شکست، مسافرین آنها را نجات می‌دهد. کشتی نجات وقتی می‌آید آنهایی را که در امواج دریا دست‌وپا می‌زنند، همین که می‌بینند کشتی نجات آمد، از دور دست تکان می‌دهند، کشتی خودش را به آنها می‌رساند و آنها را از امواج دریا نجات می‌دهد.

امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات است. روز محشر سیدالشهداء (علیه السلام) در صحرای محشر می‌گردد، مثل کشتی نجاتی که در دریا در حال گردش است، از دور آدم‌ها، چشمشان به جمال دل‌آرای ایشان می‌افتد دست بلند می‌کنند و می‌گویند: «ما اینجاییم، ما سینه‌زن و گریه‌کن شماییم، ما عاشق و دلداده و دلباخته شماییم، اینجاییم. گرفتاریم.» آقا خودشان را می‌رسانند و آنها را نجات می‌دهند؛ لذا امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات است.

برادران و خواهران، امروز روز عید است. روز سرور و شادی اهل بیت (علیهم السلام) است. روز سرور و شادی، روز حزن نیست؛ اما یک نکته هست و آن اینکه اگر امروز که روز سرور و شادی بود باید صدیقۀ اطهر (علیه السلام) از همه مسرورتر بودند؛ ولی در عین حال امروز روزی است که در روز سرور و شادی، فاطمه گریان شد. زهرای اطهر (علیه السلام) اشک ریخت...

.....

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲، ص ۱۹۵.

این جوهره عبادت که عشق به حق است، نزدیک کرد و لمس کرد، طبیعی است که باید آن نقص وجودی و آن نُکش هم بر طرف بشود. این حسینی است که امروز من و شما داریم.

ثروت ما حسین (علیه السلام) است، دارایی ما حسین (علیه السلام) است. سرمایه اصلی ما در همه جهات، وجود مقدّس سیدالشهداء (علیه السلام) است. امیدی هم که ما در زندگی‌مان داریم به نماز و روزه و عبادت‌مان نیست، خیلی کارهایی کردیم که در مقام محاسبه پروردگار ممکن است با یک تلنگر رد کنند؛ اما آنچه که قابل رد شدن نیست، آنچه که صددرصد پذیرفته است و نمی‌شود با یک تلنگر آن را رد کرد، آن اشک بر حسین (علیه السلام) است. آن عشق به حسین (علیه السلام) است. آن دلدادگی به ابی‌عبدالله (علیه السلام) است. این خیلی ارزش دارد در مقام وجود مقدّس سیدالشهداء (علیه السلام).

امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات بشر

وقتی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قنداقه حسین (علیه السلام) را به دست گرفتند، یک جمله‌ای در مورد ایشان گفتند که این جمله، ابدی شد: «لمکتوب علی یمین العرش ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»^۱ بر سمت راست عرش نوشته شده حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات است. یعنی چه کشتی نجات؟! ببینید برادران و خواهران، یک کشتی در اسکله لنگر می‌اندازد، مسافر سوار می‌کند، بار حمل می‌کند، بار را داخل کشتی می‌گذارند یا مسافر سوار کشتی می‌شود. کشتی به طرف مقصد حرکت می‌کند. این کشتی است که کارش حمل بار و مسافرست. اما یک نوع



خطبه دوم:

درخشش پاسداران در عرصه‌های مختلف

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

امروز روز سوم شعبان، روز پاسدار است و روز متعلق به این نهاد مقدس و این عزیزان ایثارگر به نام نامی سیدالشهدا (علیه السلام) است. روز پاسدار باید مورد توجه عزیزان ما قرار بگیرد. این روز را به قشر فداکار و ایثارگر پاسدار تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. روز سوم شعبان و سالروز ولادت سیدالشهدا (علیه السلام) که به عنوان روز پاسدار قلمداد شده است، در حقیقت تعیین‌کننده سیر و خط جریان پاسداری در نظام مقدس اسلامی است. امروز به وسیله امام به عنوان روز پاسدار لقب گرفت. امام در این مورد پیامی دارند.

آنچه مسلم است طی چهل و هفت سال عمر این انقلاب در همه بحران‌ها پاسدار محور اقتدار نظام بوده است. در همه موارد

نگاه کنید چهره پاسدار می‌درخشد. هشت سال دفاع مقدس، ایثارگری‌ها و رادمردی‌های پاسداران، این دفاع مقدس را به پیروزی ما منتهی کرد. غیر از دوران دفاع مقدس، در تمامی فتنه‌هایی که دشمنان دشمن ما تا به امروز در کشور اجرا کرده است، همه‌جا چهره پاسدار می‌درخشد و در همه موارد خنثی‌شدن این فتنه‌ها با محوریت پاسدار انجام گرفته است. مردم در عرصه بوده‌اند و مردم فداکاری می‌کرده‌اند؛ اما محور این مردم در صحنه وجود پاسدار بوده است؛ به عنوان محور قدرت نظام و اسلام.

نه تنها در جریان‌های دفاعی بلکه در جریان‌های مساعدتی، در زلزله بم، در سیل لرستان، در سیل خوزستان، در تمام حوادث طبیعی، آنجایی که نیاز به خدمت تا مرز جانفشانی بوده است، آنجا پاسداری و پاسدار جلوه داشته است. علاوه بر این‌ها در عرصه‌های محرومیت‌زدایی هم عزیزان پاسدار در آنجا صاحب نقش بوده‌اند. گذشته از تشکیلات سپاه پاسداران، در تمام ابعاد مدیریتی کشور

به فرموده امام مسئولیتی بس بزرگ است. این مسئولیت خیلی بزرگ است. شما عزیزی که پاسدار شده‌اید، امام می‌فرماید معنای اینکه روز ولادت سیدالشهدا (علیه السلام) را روز پاسدار قرار داده‌ایم، این است که در این انقلاب مسئولیت کربلا بر عهده شما پاسدار افتاده است. آن چیزی که شهدای کربلا در آن روز در مقابل ۱۲۰ هزار نیروی دشمن، بدون تجهیزات انجام وظیفه کردند، امروز این مسئولیت را شما در برابر دنیای استکبار دارید، همان‌طور باید بایستید و فداکاری کنید.

روز سوم شعبان را امام گفتند روز پاسدار. آن امامی که روز سوم شعبان می‌گویند روز پاسدار یعنی تعهد بر این مسئولیت، عهده‌داری این مسئولیت بزرگ عاشورایی در این انقلاب است. چهل و هفت سال از این انقلاب می‌گذرد، بررسی کنیم واقعاً این مسئولیت را قشر معظم پاسدار انجام داد یا نه؟ عزیزان ما در همه عرصه‌ها واقعاً انجام دادند و بعداً هم انجام می‌دهند. آن روز امام یک چیزی را اعلام کردند، وقتی جریان پاسداری از آن روز تا به امروز ارزیابی می‌شود، فرمایش امام در آن روز برای پاسدار و سپاه در عرصه اجرا و عمل خودش را نشان داد. مهم تداوم این راه است. در تداوم این راه مقام معظم رهبری بیان و تحلیلی دارند.

در روز سوم شعبان سال ۸۱ عده‌ای از پاسداران خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودند، ایشان فرمودند: «چیزی که شما پاسدار آن هستید، چیست؟ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. انقلاب، یک حرف و یک حرکت دفعی نیست؛ یک حرکت مستمر است و اقتضائاتش در زمان‌های مختلف، متفاوت است. کسانی که با انقلاب دشمنی می‌کنند، با آنچه در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ اتفاق

اگر جایی نقش مؤثر بود، آن نقش مؤثر را پاسدار داشت. فرماندهان قوی و دلاور نیروی انتظامی عنوان درجه‌شان سردار پاسدار یا سرهنگ پاسدار است. در عرصه‌های مدیریتی در بخشی از دولت‌ها نقش‌آفرینی عمده را عزیزی داشتند که سابقه پاسداری داشتند و در عرصه پاسداری قرار داشتند. اینکه روز ولادت سیدالشهدا (علیه السلام) روز پاسدار شد، برکتش این همه نقش‌آفرینی‌ها برای پاسداران در عمر چهل و هفت‌ساله این انقلاب مقدس اسلامی بود. دو بیان در مورد پاسدار صادر شده است. یک بیان از امام بزرگوار و یک بیان از مقام معظم رهبری است.

در سوم شعبان سال شصت، در میدان امام حسین تهران، عزیزان پاسدار سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی رژه رفتند. قبل از رژه اینها امام بزرگوار پیامی دادند. مرحوم حاج احمدآقا حضور پیدا کردند و پیام امام را قرائت کردند. امام نکته‌ای را درباره روز پاسدار بیان فرمودند: «اینک که پاسداران از سپاه و کمیته‌های عصر حاضر، این روز بزرگ پر برکت جاوید را روز پاسدار اعلام نموده‌اند، مسئولیتی بس بزرگ و تکلیفی بس عظیم را عهده‌دار شده‌اند، گویی آنان به یاد پاسداران عاشورا و انگیزه جانفشانی‌ها و فداکاری‌های کربلا این روز را انتخاب نمودند و نیکو انتخابی است و بزرگ مسئولیتی.»^۱ این بیان امام خیلی عمق و معنا دارد. یعنی وقتی بنا شد روز میلاد سیدالشهدا (علیه السلام) روز پاسدار باشد، یعنی پاسدار می‌گوید آن مسئولیتی که در سال ۶۱ هجری داشتند، آن مسئولیت را امروز در جریان این انقلابی که تداوم انقلاب کربلاست، به عهده دارم. مسئولیت شهدای کربلای در عرصه عاشورا اگر امروز کسی بخواهد عهده‌دار شود،

میلیون نفر مشهد و سه میلیون نفر تهران و شهرهای دیگر، همه اینها پاسدارند. یعنی همه آمده‌اند این موجود زنده را حفظ کنند. همه آماده‌اند در مقابل دشمن بایستند؛ دشمنی که می‌خواهد این موجود زنده را از بین ببرد. مردم آمده‌اند و با آن دشمن می‌جنگند. همه کسانی که ۲۲ دی به راهپیمایی آمدند، اینها همه از مقام معظم رهبری حکم پاسداری گرفتند. بعضی از اینها قبلاً حکم پاسداری گرفتند. آنهایی که در مقابل اغتشاشات جاسوس‌ها و مزدورهای اسرائیلی و امریکایی سینه سپر کردند و جان دادند و جانباز شدند و ایستادند، اینها آن روز حکم پاسداری گرفتند. بعضی از اینها به مجرد اینکه حکم را گرفتند به بالاترین درجه هم ارتقاء پیدا کردند. فرد یک حکم که می‌گیرد تا بخواهد به بالاترین درجه ارتقا پیدا کند باید مسیری را طی کند؛ اما عده‌ای این حکم را گرفتند و همانجا به بالاترین درجه ارتقاء پیدا کردند و به شهادت رسیدند. اینها بالاترین درجه پاسداری را درک کردند.

همه ما پاسدار هستیم. برادران و خواهران، ما تا کجا و کی پاسداریم؟ تا وقتی که مثلاً دشمن‌ها جَوَلان بدهند و ما هم در مقابلشان بایستیم و از بین ببریم و عقب‌نشینی نکنند، تا آنجا پاسداریم؟ نه؛ ما تا لحظه‌ای که آقايمان تشریف بیاورند، پاسداریم. یعنی هر چه داریم باید پای آقا بریزیم.

در نماز جمعه‌ای که مقام معظم رهبری در سال ۸۸ خواندند، مناجاتی ایشان با امام زمان (عج) دارند. آن مناجات آقا را با امام زمان (عج) گوش بدهید. آقا گفتند من هم هر چه دارم مال شماست. آقا اعلام کردند جان خودشان هم روی قدم‌های آقا امام زمان (عج)

افتاد، دشمن نیستند؛ آن‌که گذشت و رفت؛ آنها با یک موجود زنده حی و حاضر دشمن و مخالفند. پس انقلاب تداوم و حضور دارد. انقلاب، زنده و پویاست. پاسدار انقلاب، پاسدار چنین موجود زنده و پویا و متحرک و پیشرونده‌ای است. اگر این نبود، تا کنون انقلاب اسلامی و نظام اسلامی باید ده کفن پوسانده باشد. اما موجود زنده را نمی‌شود دفن کرد و از تحرک باز داشت؛ زنده است و زنده خواهد ماند.»^۲

آنها با موجود زنده دشمن‌اند. این را که امروز به عنوان انقلاب اسلامی وجود دارد را نمی‌خواهند. می‌گویند شما یمن را بیدار کرده‌اید، شما مسلمان‌های جهان را تکان داده‌اید. شما مستضعفان عالم را راه انداخته‌اید. شما در دل امریکا و اروپا نفوذ کرده‌اید، دشمنی اروپا و امریکا را در دل آنها ایجاد کرده‌اید، با چنین چیزی مخالف و دشمن‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند که شما پاسدار این موجود زنده هستید، نه پاسدار آن چیزی که سال ۵۷ اتفاق افتاد. سال ۵۷ تمام شد و رفت. چهل و هفت سال پیش بود. شهادت‌اش هم الان در بهشت هستند و دارند لذت می‌برند و دشمنانش هم الان در جهنم هستند و دارند عذاب می‌شوند. آن تمام شد و رفت. چیزی که دشمن داخلی ضد انقلاب و دشمن خارجی استکباری و صهیونیستی متوجه آن است، همین موجود زنده‌ای است که بساط دنیای کفر را به هم زده است و استکبار را مستأصل کرده است.

پاسداران حقیقی انقلاب به حکم رهبری

با این فرمایش مقام معظم رهبری همه کسانی که ۲۲ دی در خیابان آمدند، یک



کربلا اینطوری بودند. پاسدار، رسالتِ شهدای کربلا را دارد. هر کدام که به میدان می‌رفتند و از دشمن ضربات می‌دیدند صورتشان برافروخته‌تر می‌شد. خود سیدالشهدا (علیه السلام) هم اینگونه بودند. با هر داغی مواجه می‌شدند، صورت مبارک حضرت برافروخته‌تر می‌شد و نشاط بیشتری پیدا می‌کردند؛ چون مبارز هستند. مبارز در مبارزه نشاط دارد. نمی‌گوید حالا خوب شد من نبودم، بلایی به سرم نیامد. اگر کسی اینجوری فکر کند شعبه‌ای از نفاق دارد.

ما باید مبارزه را تا زمان ظهور ادامه دهیم. باور هم کنیم که ما مبارز هستیم و باید این مبارزه تا زمانی که آقا تشریف می‌آورند، ادامه پیدا کند. تا استکبار روی زمین است، آقا تشریف نمی‌آورند، آقا روزی تشریف می‌آورند که حکومت جهانی برپا کنند؛ وقتی می‌آیند که عدل جهانی ایجاد کنند. باید سنگلاخ‌ها جمع شود تا آقا تشریف بیاورند. کی باید این سنگلاخ‌ها را جمع کند؟ من و شما باید جمع کنیم. این وظیفه ما هست. زمان پاسداری انقلاب که حکم آن را گرفته‌اید تا زمانی است که آقا تشریف بیاورند.

.....

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰۶.

۲. رهبر معظم انقلاب، ۲۴/۰۶/۱۳۸۱.

۳. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۴، ص ۴۳۹.



انداخته‌اند. هر چه ما داریم فدایی آقا امام زمان (عج) است. تا زمانی که آقا تشریف بیاورد این پاسداری ادامه دارد. تا زمانی که ما در این راه یا جان بدهیم و خونمان ریخته شود یا آقایمان تشریف بیاورند. این را باید باور کنیم نه اینکه فقط شعارش را بدهیم و احساساتی برخورد کنیم. این را در حرکت باید باور کنیم.

در حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من لم یغز و لم یحدّث نفسه بغزو مات علی شعبه من النفاق» ۳ کسی که مبارزه نمی‌کند و مبارزه را حدیث نفس هم نمی‌کند، اهل نفاق است. یک کسی مبارزه می‌کند و یک کسی هم می‌گوید ای کاش من هم بودم و مبارزه می‌کردم و در راه خدا جان می‌دادم. فرمودند غیر از این دو نفر بقیه اهل نفاق هستند. ما باید یا در میدان مبارزه باشیم یا اگر در میدان مبارزه نیستیم بگوییم ای کاش ما هم در میدان مبارزه بودیم.

حادثه‌ای اتفاق افتاده است و بعضی از عزیزان ما شهید شده‌اند، نگوئیم خوب شد که ما نرفتیم و الا ما هم کشته شده بودیم. این فکر غلطی است. اگر کسی اینچنین فکر کند شعبه‌ای از نفاق است. ما باید مبارزه کنیم. بجنگیم و آماده مبارزه باشیم. نیروی مبارز، هرچقدر با تجهیزات بیشتر می‌آید، شکوفا تر می‌شود. صورتش گل می‌اندازد. شهدای